مردم سالاری

روزنامه اجتماعی- سیاسی- فرهنگی و اقتصادی

صاحب امتیاز: حزب مردم سالاری
مدیرمسئول: مصطفی کواکبیان

نشانی اینترنتی: www.mardomsalari.net
نشانی تلگرام: mardomsalaridaily
نشانی اینستاگرام: mardomsalaridaily1
آدرس تحریریه: اتوبان شیخ‌فضل‌الله نوری شمال به جنوب
خروجی خیابان سازمان آب - خیابان حاجی‌پور امیر - کوچه چهارده - پلاک ۱
تلفن: ۲۹- ۸۸۲۸۸۲۲۶
فکس: ۸۸۲۶۳۰۹۴
رتبه روزنامه: ۳
چاپ: نشر ریحان- تلفن: ۶۵۶۰۷۹۱۷

اذان صبح: ۵/۲۰ طلوع آفتاب: ۶/۴۸ اذان‌ظهر: ۱۱/۵۱ اذان مغرب: ۱۷/۱۳
یکشنبه ۲ آذر ۱۳۹۹- ۶ ربیع‌الثانی ۱۴۴۲- ۲۲ نوامبر ۲۰۲۰- شماره ۵۳۰۳

حدیث روز

حضرت محمد(ص):
اگر می‌خواهی خدا تو را دوست دارد دنیا را دشمن دارد و اگر می‌خواهی مردم تو را دوست دارند آنچه از زواید دنیا داری پیش آنها بریز.
(نهج‌الفصاحه)

فیلم

اوکجا

اوکجا یک فیلم اکشن-ماجراجویی به کارگردانی بونگ جون-هو و نویسندگی جون-هو و جان رانسون است. از بازیگران آن می‌توان به آن سئو- هیون، تیلدا سوئینتن، پل دانو، جیک جیلنهال، استیون ین و لی‌لی کالینز و فیلم‌بردار آن داریوش خنجی اشاره کرد. داستان این فیلم روایت یک دختر جوان به نام میجا است که هر نوع خطری را به جان می‌پذیرد، تا از خطر رهایش بهترین دوستش توسط یک شرکت چند ملیتی جلوگیری کند. دوست میجا حیوان عظیمی است به نام اوکجا که بسیار خجالتی و درونگرا است. حیوان درون فیلم یک حیوان منحصر به فرد است که به گفته کارگردان فیلم تا اکنون همچین حیوانی دیده نشده است. در طول این فیلم، شاهد روایت جذابی از شیوه انتخاب آدم‌ها هستید. اینکه هر کسی، حاضر است چه چیزی را با چیز دیگری تاخت بزند؟ هزینه این انتخاب‌ها چیست؟ نقش من برای رقم زدن تغییر سرنوشت ما چیست؟ ما چه همسایگانی برای سایر زیستمندان هستیم؟ اینها فقط گوشه‌ای از سوالاتی هستند که می‌توانید با تماشای یک داستان ماجراجویانه‌ای که با رگه‌هایی از ژانر اکشن و درام همراه است را پیدا کنید.

طرح روز

حمید سحری

پس از برتری بایرن مونیخ مقابل بارسلونا با نتیجه ۸ بر ۲ مصاحبه جنجالی تونی کروس بازتاب گسترده‌ای در رسانه‌ها داشت اما شکست ۶ بر صفر آلمان‌ها مقابل اسپانیا با هدایت لوئیز انریکه پاسخ محکمی به مصاحبه این بازیکن آلمانی بود

دانستنی‌ها

ساخت الماس در دمای اتاق تنها در چند دقیقه!

گروهی از دانشمندان «دانشگاه ملی استرالیا»(ANU) و «مؤسسه سلطنتی فناوری ملبورن»(RMIT) در مطالعه اخیرشان دو نوع الماس را در آزمایشگاه و فقط در عرض چند دقیقه در دمای اتاق ایجاد کردند.
به گزارش ایسنا و به نقل از تک اکسپلوریست، یکی از این دو الماس، الماس موجود در نوعی از حلقه‌های نامزدی و دیگری نوعی از الماس به نام «لونسدالیت» است که در طبیعت و در محل برخورد شهاب سنگ مانند ناحیه «کانیون دیابلو» آریزونا یافت شده است.
پروفسور جودی بردبای(Jodie Bradby) از دانشگاه ملی استرالیا گفت: دستیابی به این موفقیت و ساخت الماس در عرض چند دقیقه در آزمایشگاه در دمای اتاق بسیار شگفت انگیز است زیرا این روند(ساخت الماس) معمولاً طی میلیاردها سال و در شرایط فشار زیاد و دمای بسیار گرم انجام می‌شود.
این کشف جدید و غیر منتظره نشان می‌دهد که لونسدالیت و الماس معمولی هر دو فقط با اعمال فشارهای زیاد(معادل فشار پا ۶۴۰ فیل آفریقایی) می‌توانند در دمای معمولی اتاق نیز تشکیل شوند. نکته این مطالعه نحوه اعمال فشاری است که وارد کرده‌ایم. علاوه بر فشارهای بسیار زیاد، ما اجازه دادیم کربن چیزی به نام «برش»(shear) را تجربه کند که این روند مانند یک نیروی چرخشی و کشش است. ما فکر می‌کنیم که این عمل اجازه می‌دهد تا اتم‌های کربن در جای خود حرکت کرده و الماس معمولی و لونسدالیت را تشکیل دهند.

چهره‌ها

پرویز شهریاری؛ چهره ماندگار ریاضی

پرویز شهریاری در ۲ آذر ۱۳۰۵ در کرمان به دنیا آمد. این ریاضی‌دان و مترجم، از چهره‌های ماندگار ایران است. این شخصیتِ برجسته عرصه علم و آموزش و فرهنگ و سیاستِ تاریخ معاصر ایران، بیش از چهارصد جلد کتاب در زمینه‌های ریاضیات، تاریخ، فلسفه و ادبیات تألیف و ترجمه کرده و نیز بیش از هزار عنوان مقاله از او در نشریات مختلف به چاپ رسیده است. پرویز شهریاری در دوران پرتنش سیاسی دهه ۲۰ به مبارزه سیاسی روی آورد و در جریان چپ به فعالیت می‌پرداخت. در سال ۱۳۲۴ در نوزده سالگی به عضویت حزب توده ایران پذیرفته شد. پس از ۱۵ بهمن ۱۳۲۷ و سوءقصد به جان محمدرضا پهلوی موجی از دستگیری‌ها آغاز شد و در فروردین ۱۳۲۸ شهریاری، برای نخستین بار بازداشت شد و به زندان افتاد و پس از آن نیز بارها به زندان افتاد. شهریاری به زبان فرانسه مسلط بود و در مدتی که در زندان به‌سر می‌برد، زبان روسی را نیز در مدت ۹ ماه، به‌گونه خودآموز و از روی یک کتاب فرا گرفت و از همان زمان، دست به تألیف و ترجمه زد. نخستین ترجمه‌ای که از او به چاپ رسید، کتاب تاریخ حساب نوشتهٔ رنه تانون (نویسنده فرانسوی) در سال ۱۳۲۹ بود. او این کتاب را در زندان ترجمه کرد. دکتر پرویز شهریاری در فیلم مستند فانوس گلستان، که توسط شاگرد نوجوانش میلاد درویش در اوایل دهه هشتاد خورشیدی دربارهٔ او ساخته شد، گفته بود:«همیشه در زندگی خودم در بیم و امید به سر می‌بردم همیشه حتی حالا نمی‌توانم خودم را آزاد به معنی واقعی احساس کنم و همیشه حس می‌کنم که کسی یا چیزی دارد مرا می‌پاید.» استاد پرویز شهریاری سرانجام در ۸۶ سالگی و در ۲۲ اردیبهشت ۱۳۹۱ به علت مشکل تنفسی در بیمارستان جم تهران زندگی را بدرود گفت.

درویش خان؛ استاد موسیقی

غلامحسین درویش معروف به «درویش خان»، در سال ۱۲۵۱ هجری خورشیدی در تهران زاده شد. علت شهرت وی به نام درویش خان، این بود که پدرش هنگام صدا زدن وی، از لفظ «درویش» استفاده می‌کرد و همین نام بعدها به عنوان نام خانوادگی غلامحسین برگزیده شد و او به درویش خان یا غلامحسین خان درویش معروف شد.
غلامحسین به دربار شاه رفت‌وآمد داشت و ساز نوازندگان را می‌شنید. سپس پیش آقا حسینقلی به تکمیل فن خود پرداخت و بعد از سال‌ها تمرین در نواختن تار و به ویژه سه‌تار مهارت یافت و بهترین شاگرد استاد خود شد. در این دوران، آشنایی با برادر بزرگتر آقا حسینقلی، میرزا عبدالله فراهانی که نوازنده تار و سه‌تار بود، به کار او غنای بیشتری بخشید. گفتنی است در آغاز، آهنگسازی به شیوه نو توسط علی‌اکبر شیدا متخلص به شیدای شیرازی و عارف قزوینی آغاز شده بود. آن دو، آهنگسازی را به صورت اصولی نیاموخته بودند و تصنیف‌ها را بر اساس ذوق و احساس خود می‌ساختند و خود بر آنها شعر می‌نهادند و خود نیز آنها را می‌خواندند. اما این سبک موسیقی، توسط درویش‌خان به صورت یک حرفه مستقل هنری در آمد. زیرا او علاوه بر ردیف سنتی، با مبانی موسیقی بین‌المللی آشنا شده بود و بر اساس این دانش، آهنگ می‌ساخت. از سوی دیگر، به جای اینکه خود، آهنگ بخواند خوانندگان حرفه‌ای آنها را اجرا می‌کردند. سعدی حسنی در کتاب «تاریخ موسیقی» درباره پیدایش موسیقی نوین ایران می‌نویسد: «نخستین تحول واقعی موسیقی را غلامحسین درویش آغاز کرد.» همچنین درویش در نواختن تار دست داشت. تا آن زمان تار دارای پنج سیم (دو سیم سفید، دوسیم زرد، و یک سیم بم) بود. اما با نگاه به سه‌تار به فکر افتاد سیم دیگری به تار بیفزاید و از آن هنگام تار دارای شش سیم شد. این هنرمند ایرانی در ۲ آذر ۱۳۰۵تهران بر اثر تصادف با اتومبیل درگذشت.

روزنامه‌بازی

روزنامه مردم سالاری ۲ اذر ۱۳۸۷

«مسوولان سعی کنند بسیج فراجناحی بماند» تیتر یک مردم سالاری از سخنان علی اکبر هاشمی رفسنجانی رییس مجلس خبرگان رهبری و خطیب جمعه وقت تهران انتخاب شد. هاشمی در خطبه دوم نماز جمعه گفت: ما در طول دوران جنگ مرهون بسیجیان هستیم. خانواده‌های آنها حقیقتا جان فشانی کردند. بعد از جنگ هم که تصور می شد بسیج کاری ندارد، ما در دوره سازندگی بخش عمده ای از کارهایمان را توسط بسیج انجام دادیم. هاشمی رفسنجانی ادامه داد: امروز هم مساله بسیج سازندگی در همه ارکان بسیج مطرح است ولی بدنه بسیج و حضور آن در جامعه مساله اساسی است و من تاکید دارم فرهنگ بسیجی حفظ شود. دیگر اینکه مسوولان بسیج سعی کنند بسیج همچنان فراجناحی در خدمت اسلام و انقلاب بماند، کسی آنها را جدای از خود و خود را جدای از آنها نداند و آنها بتوانند در هر شرایطی برای کشور کارآمد باشند.

رئیسی نمی‌خواهد رئیس‌جمهور شود اما قالیباف شیفته و شیدای این پست است!

ادامه از صفحه ۱۰

آقای کواکبیان! شما چندی پیش اظهارنظری درباره آقای خاتمی داشتید و گفتید که او باید در مجموعه اصلاحات نقش مشورتی داشته باشد که این نظر جنجالی هم شد. بحث انتقاد از آقای خاتمی و جایگاه او مدتی است میان چهره‌های اصلاح طلب فراگیر شده و آقای کرباسچی هم آن را مطرح کرده است. می‌خواهم بدانم بحث عبور از لیدری آقای خاتمی‌چقدر می‌تواند جدی شود و نهایتا چه جایگزینی برای او وجود دارد؟ مثلا آقای موسوی‌خوئینی‌ها؟

ما در رفتار سیاسی حزب مردم‌سالاری بحث‌های مفصلی داشتیم و اینجا بحث اشخاص مطرح نیست، بلکه بحث ساز و کار اهمیت دارد. اما ساز و کار دستیابی به اجماع اصلاح‌طلبان چیست؟ دو سال است که طرح پارلمان اصلاحات را مطرح کردیم که در شورای هماهنگی جبهه اصلاحات هم تصویب شده اما هنوز اجرا نشده است، این یک ساز و کاری است که ما گفتیم ۴ هزار نفر بتوانند در یک جایی باشند (مثلا حتی در فضای مجازی) و کاندیداها برنامه‌های خودشان را ارائه دهند و از میان آنها یک نفر که بیشترین نظرها را جلب می‌کند بیاید، برای انتخابات شوراها کمیته شکل گیرد و آنها لیست تعیین کنند، برای بحث خبرگان هم یکجور دیگر و برای بحث‌های میان‌دوره‌ای هم همینطور، اما اصل موضوع با اهمیت برای انتخابات ریاست جمهوری است. هرچند طرح‌های دیگری هم مطرح است، مثلا پیش از این شورای عالی سیاست گذاری اصلاح‌طلبان را داشتیم که الان ۹ ماه است تعطیل شده؛ البته ما بر سر آن ساز و کار هم مقداری بحث داریم که چطور بود، در مجموع نظر ما این است که ازعقل جمعی این ۳۲ حزب اکثریت اصلاح‌طلب به یک ساز و کاری برسند و ما آن ساز و کار را می‌پذیریم.

من هم گفتم این نیست که بگوییم مثلا از مجمع روحانیون مبارز، آقای موسوی‌خوئینی‌ها مثلا فلان آقا را توصیه می‌کند و همه هم باید در خدمت باشیم، ما گفتیم که این را قبول نداریم چون باید درباره هر فردی بحث شود، یا مثلا آقای خاتمی‌نظرشان به یک نفر است و همه باید او را بپذیرند، ما گفتیم احترام جناب آقای خاتمی‌را داریم اما نمی‌توانیم این نوع شرایط را بپذیریم، اما اگر اکثریت احزاب بگویند ساز و کار ما این است که ما هیچ تصمیمی‌نمی‌گیریم و هرچه آقای خاتمی‌بگوید را می‌پذیریم، خب این هم یک ساز و کار است.

حرف ما این بود که بدون ساز و کار نباشیم، یعنی نحوه دستیابی به آن اتفاق نظر و آن اجماع نباید بدون ساز و کار باشد؛ بحث ما بر سر همین بود وگرنه ما اصلا بحث عبور از خاتمی‌و کنار گذاشتن ایشان نیست و احترام ایشان را هم داریم. اما در رابطه با بحث انتخابات ریاست جمهوری سه نظر وجود دارد: یک نظر مشارکت بدون قید و شرط است، اینها می‌گویند اگر کاندیدای نیابتی هم بود مصلحت فعلا اقتضا می‌کند که در انتخابات شرکت کنیم (البته حامیان این نظر در اصلاح‌طلبان کم‌اند اما هستند کسانی که اینگونه فکر می‌کنند که حالا که نفر ما تایید نمی‌شود یک نفر را قرضی بگیریم و این کار انجام شود).

فکر می‌کنید این نظر اکنون میان اصلاح‌طلبان طرفدار دارد؟

کم هستند اما مثلا در میان دوستان حزب اعتدال و توسعه این نظر وجود دارد،آنها می‌گویند اگر کاندیدای ما تایید نشد ما یک نفر را نیابتی بگیریم.بعضی از حزب کارگزاران سازندگی هم این را گفته اند اما مجموعه حزب در جلسات شورای هماهنگی این نظر را مطرح نکرده است.

نظر دیگر اما ۱۸۰ درجه نقطه مقابل نظریه اول است، آنها می‌گویند ما تحت هیچ شرایطی نباید در انتخابات شرکت کنیم و استدلال‌شان این است که مردم هنوز آماده نشده اند و چون کاندیدای ما تایید نمی‌شود پس چه فایده ای دارد که حضور داشته باشیم، این نظر قوی‌تر از نظر اول است.

نظر سومی‌هم وجود دارد که به نظر من قوی تر ازآن دو نظر قبلی است و نظر ما در حزب مردم‌سالاری هم همین است؛ ما معتقدیم نه بی قید و شرط باید در انتخابات شرکت کنیم و نه می‌گوییم اصلا شرکت نمی‌کنیم، به معنای مشارکت مشروط، یعنی مشروط به آن شرایطی است که داریم، اگر شرایط ما تحقق پیدا کرد ما هیچ وقت اهل تحریم نبودیم، منظورمان از مشارکت مشروط این است که کاندیدا نداریم نه اینکه در انتخابات شرکت نمی‌کنیم. چون تحریم انتخابات یک بحث است و اینکه ما بخواهیم مشارکت گسترده و با حمایت از یک کاندیدای مشخص داشته باشیم بحث دیگری است.

شما دیدید که ما ۸ حزب اصلاح‌طلب برای انتخابات اسفند ۹۸ ائتلاف کردیم و در تهران لیست دادیم اما در شهرستان‌ها فقط توانستیم ۶۰ کاندیدا پیدا کنیم چون کاندیدایی وجود نداشت. در واقع اصولگرایان با خودشان رقابت داشتند. ما این را هم مطرح کردیم که به هرکسی رسیدیم حتما باید با او نشست داشته باشیم. از سویی به بحثِ بازنگری در قانون اساسی هم تاکید داریم چون اگر این اتفاق نیفتد فقط آدم‌ها عوض می‌شوند و وضع مردم همین است که می‌بینید.

فکر می‌کنید «تَکرار می‌کنم» آقای خاتمی‌در انتخابات ۱۴۰۰ هم کارایی دارد؟

تَکرار می‌کنم آقای خاتمی‌به عامل اول برمی‌گردد. مردم الان رغبتی به مشارکت در انتخابات ندارند، زمانی که رغبت نداشته باشند هزار بار هم شما تَکرار کنید، طرف می‌گوید من به نان شب محتاج هستم چرا در انتخابات شرکت کنم؟ بنابراین تا مسئله اول حل نشود این تَکرارها هم تاثیر ندارد، حتی برای اصولگرایان هم زمینه ای وجود ندارد. اگر اکثریت مردم مشوق‌هایی برای شرکت کردن در انتخابات پیدا کنند، تَکرار می‌کنم خاتمی‌هم تاثیر خواهد داشت.

اکنون اسامی‌به عنوان کاندیداهای احتمالی جریان اصلاحات مطرح است. همچون آقایان جهانگیری، محسن‌هاشمی، ظریف و ... نظر شما درباره حضور این چهره‌ها چیست؟

من نشنیدم. در رابطه با حضور در انتخابات بحث ما مشارکت گسترده مردم است و در رابطه با حمایت از کاندیدا من به آن ساز و کاری که تعیین می‌شود پایبند و از دل آن ساز و کار یک کاندیدا در می‌آید. اگر آن ساز و کار تعریف شود بنده خودم هم کاندیدا هستم و فوقش در آن ساز و کار رأی نمی‌آورم و تابع عقل جمعی می‌شوم. درباره آقای ظریف البته باید بگویم که من چند بار با ایشان صحبت کردم، ایشان می‌گوید من آمادگی ندارم و همین کار برای من خوب است، یعنی واقعا حوصله دعوا و بحث را ندارد. او هنوز قدمی‌برای انتخابات برنداشته دارد فحش می‌شنود اگر جدی بیاید که دیگر هیچ بنابراین باید دید در ادامه چه پیش می‌آید.

با این اوصاف شما هم به کاندیداتوری در انتخابات ۱۴۰۰ فکر می‌کنید؟

من یک سابقه عدم احراز صلاحیت دارم و آقای کدخدایی هم گفتند کسانی که رد شده اند دیگر کاندیدا نشوند و بعد اصلاح کردند و گفتند این یک نظر شخصی بوده؛ از آن طرف هم گفتند کسانی که قبلا تایید شدند ممکن است این دفعه رد شوند. بنده خدا آقای غرضی می‌گفت من در این ۴ سال گذشته فقط به نانوایی رفتم و آمدم و نمی‌دانم چه کار بدی کرده ام که قبلا تایید شده ام و الان رد می‌شوم.

باید مبنا و معیار و عامل سنجشی باشد که به ما بگوید مثلا شما به این دلیل و این دلیل رد شده اید و باید طرف را به شکلی قانع کرد که دیگر کاندیدا نشود. استنباط من درباره بحث شخصی این است که آن فضای انتخاباتی فعلا فراهم نیست و هنوز به آن ساز و کار دست پیدا نکرده‌ایم. موضوع سوم هم این است که من شخصی فکر نمی‌کنم، حزبی فکر می‌کنم. ممکن است حزب به من بگوید شما اصلا نیایید یا بگوید حتما باید بیایید و این کنگره است که این را تعیین می‌کند. این سه موضوع برای شخص من خیلی مهم است.

فکر می‌کنید اکنون چه کسی می‌تواند در آن ساز و کار قرار گیرد؟

هرکسی می‌تواند در این ساز و کار قرار بگیرد. شرط ما فقط این است که اصلاح طلب خالص باشد و از دل جریان اصلاحات بیاید. هرکدام از افراد که فکر می‌کند واجد این شرط است تشریف بیاورد.

الان آقای عارف یک شخصیت اصلاح‌طلب است یا آقای جهانگیری و آقای موسوی لاری، اما آیا قدرت رای‌آوری دارند؟

حزب مردم سالاری تا کنون درمورد هیچ کاندیدایی نظر نداده است و تا کنگره برگزار نشود نظر نمی‌دهد.

وضعیت اصولگرایان را چطور می‌بینید؟ آنها مجلس یازدهم را در اختیار دارند و خیلی از آنها در ابتدای مجلس می‌گفتند که پیروزی ما در انتخابات ۱۴۰۰ منوط به عملکرد مجلس یازدهمی‌هاست. شما سابقه طولانی در نمایندگی مجلس دارید، الان فضای مجلس و تاثیر عملکرد آنها در انتخابات ۱۴۰۰ را چگونه می‌بینید؟

به نظر من مجلس یازدهم بحران مشروعیت سیاسی دارد یعنی به صورت ذاتی به دلیل غیبت ۶۰ درصد مردم این بحران را پیدا کرده است، اما نکته این است که ۶ ماه از عملکرد آنها نگذشته و دو بار از رهبری تذکر گرفتند و این موضوع مهمی‌است. من در توئیتی نوشتم اینهایی که می‌گویند دو آتشه ذوب در ولایت هستیم این گونه‌اند!

آن بد و بیراه‌هایی که به دکتر ظریف در مجلس گفتند یک مورد بود و یک مورد هم گفتند رئیس‌جمهور نه تنها یک بار که هزار بار باید اعدام شود، یعنی با اینکه علم دارند و می‌دانند که رهبری فرموده اند این دولت باید تا پایان دوره اش بماند، باز هم ادامه می‌دهند. شما به عنوان یک خبرنگار از این فرمایش رهبری چه برداشتی می‌کنید؟ یعنی کاملا مشخص است که این رئیس‌جمهور تا پایان دوره باید بماند و دیگر بحث استیضاح و برکناری معنایی ندارد و هرکسی این بحث را مطرح کند یعنی دارد برابر رهبری موضع می‌گیرد و این واضح است.

به هرحال رهبری طبق قانون اساسی نصیحت و رهنمود دارد. ایشان تذکر می‌دهد و نصیحت می‌کند اما جلوی مجلس را نمی‌گیرد. ما در مجلس دهم یکبار هم چنین تذکری از سوی رهبری نداشتیم. رهبری از موضع پیشبرد امور نصیحت می‌کند و رهنمود می‌دهد. آنهایی که خیلی مدعی هستند و دو آتشه ولایی هستند باید مقداری شرمنده باشند که چرا این وضعیت پیش می‌آید.

همین آقای ذوالنوری در مجلس دهم آمد به من گفت یالله استیضاح رئیس‌جمهور را امضا کنید و داشت رسما امضا جمع می‌کرد، من در تذکری گفتم که ما اصلاح‌طلبان رشیدتر از آن هستیم که کار عبث و بیهوده ای انجام دهیم و صدای برخی اصولگرایان درآمد که یعنی ما رشید نیستیم و داریم کار بیهوده انجام می‌دهیم؟؛ من گفتم اصلا به شما کاری ندارم بلکه گفتم ما رشیدتر از آن هستیم که این کار را کنیم. باور کنید به دو روز نکشید که یکی از این آقایان به بیت رهبری رفته بود و دیگر این بحث پیش نیامد.

یک روز من به شوخی به آقای ذوالنوری گفتم بیا من می‌خواهم آن طرح استیضاح را امضا کنم و او گفت دیگر لازم نیست. می‌خواهم بگویم این کارعبث است.من اصلا نمی‌خواهم از عملکرد خودمان در مجلس دهم دفاع کنم چون مشکل ما در آن مجلس آقای لاریجانی و مدیریت ایشان بود، تصمیم‌ها و عملکردی داشت که مورد انتقاد بود مثلا درمورد بنزین من به او گفتم شما به نمایندگی از ۲۹۰ نفر به شورای هماهنگی اقتصادی سران سه قوه رفته اید و نباید نظر شخصیتان را می‌گفتید، نظر جمع این بود که بنزین گران نشود و شما هم این را می‌دانستید.

هرچند نهایتا اصلا بحث تصمیم شورای هماهنگی اقتصادی نبود، بحث مصوبه شورای عالی امنیت ملی بود، این را فراموش نکنید.اصل ۱۷۶ قانون اساسی می‌گوید مصوبات شورای عالی امنیت ملی بعد از تایید رهبری لازم الاجرا است. بحث من این است که چرا شورای عالی امنیت ملی در بنزین باید تصمیم بگیرد؟ آن شورا باید در طرح‌های امنیتی، نظامی و کلان تصمیم بگیرد. لذا اگر دیگر نشد ما حرفی بزنیم بخاطر حرف شورای هماهنگی اقتصادی سران سه قوه نبود بلکه بخاطر آن مصوبه شورای عالی امنیت ملی بود. ما صبح که به مجلس آمدیم، آقای شمخانی به مجلس تشریف آورد و نامه شورای عالی امنیت ملی را خواند که البته من همان روز نطق داشتم و گفتم هنوز هم دیر نشده است، بیایید با سران سه قوه نشست داشته باشیم اما دیگر هیچکدام‌شان حاضر نشدند و جلسه ای برگزار نشد و گفتند رهبری گفته است و ماجرا آنگونه شد...

به نظر شما با توجه به نزدیکی به برگزاری انتخابات ۱۴۰۰ و تذکرات رهبری، شاهد تغییر رویه در رفتار نمایندگان مجلس یازدهم خواهیم بود؟

برای عملکرد این ۶ ماه مجلس شاید افرادی بگویند که قضاوت کردن زود است اما سالی که نکوست از بهارش پیداست، یعنی می‌شود فهمید که جز ۵۰ الی ۶۰ نفر که از با سابقه‌ها هستند بقیه همه صفر کیلومتر هستند.

فکر می‌کنید این تندوری‌ها ناشی از چیست؟ واقعا به دلیل عدم آگاهی از اختیاراتشان است یا واقعا می‌خواهند کاری انجام دهند؟

من در دلسوزی و خیرخواهی نمایندگان شکی ندارم مگر اینکه بعضا بخواهند خیلی حزبی و جناحی عمل کنند، آنها عموما دلسوز مردم هستند اما راهش این نیست که نماینده ای بیاید و بگوید چون مشکلات مردم حل نمی‌شود من دیگر اعتصاب غذا می‌کنم، یا یک آقایی بگوید ما ۸ ماه است واکسن کرونا را کشف کرده ایم و بعد دیدند که آن واکسن ضد سرفه است و بقیه حرف‌های عجیب و غریبی که در این مدت زده اند، می‌خواهم بگویم مدیریت درستی در این ۶ ماه نشده تا بهتر نتیجه بگیرد. ما به مدیریت علی لاریجانی کلی اشکال وارد می‌کردیم اما در این ۶ ماه گفتیم هزار رحمت به علی لاریجانی!

بنابراین فکر می‌کنید بخشی از این شرایط مجلس یازدهم به آقای قالیباف و هیئت رئیسه برمی‌گردد؟

بله، به هیئت رئیسه ای مربوط می‌شود که آقای قالیباف هم در رأس آن است. خروجی این ۶ ماه چند طرح مصوب در شورای نگهبان داشته است؟ ما باز هم صبر می‌کنیم و من قضاوت نهایی نمی‌کنم اما قطعا مجلس یازدهم یا مجلس انقلابی یا خیلی حزب اللهی، از لحاظ برآیند کار ضعیف تر از مجلس دهم است.

واقعیت این است که اصولگرایان در سه طیف اصلی می‌گنجند، سنتی‌ها از همه عاقل‌تر هستند و مثلا درباره انتخابات بعضی‌هایشان به آقای قالیباف گفته‌اند در همین جایگاهی که هستی بمان و نیاز نیست کاندیدای ریاست جمهوری شوی! مثلا آقای رئیسی خودش نمی‌خواهد بیاید اما اصولگرایان بدشان نمی‌آید رئیس‌جمهور شود چون او یک پایگاه رأی داشته است، با این حال خودش می‌خواهد دستگاه قضایی را درست کند، اما آقای قالیباف خودش شیفته و شیدای این پست است و من خیلی کم از اصولگرایان دیدم که بگویند قالیباف کاندیدا شود. یکسری دوستان پایداری هم به دنبال آقای سعید جلیلی هستند، هرچند من فکر می‌کنم اگر قرار باشد فضا، فضای تعامل مثبت تری با جامعه جهانی و بحث مذاکره با بایدن باشد آقای جلیلی خیلی مرد این میدان نیست.

به نظر شما مجلس یازدهمی‌ها چقدر در گیر رویکردهای پوپولیستی شدند و رفتارها و شعارهای پوپولیستی ارائه می‌دهند؟

دقیقا بعضی از این شعارها همینجور است. همین که ما به مردم بگوییم مردم ما شما را دوست داریم و چون دولت کاری نمی‌کند پس ما اعتصاب غذا می‌کنیم، این کار واقعا به درد مردم نمی‌خورد، آنها باید قانونی تنظیم کنند که تحولی در زندگی مردم ایجاد کند. این دوستان باید بدانند که درگیر شدن با این دولت وقت مملکت را تباه می‌کند و باید یک حداقل‌هایی برای این مسائل تعریف کنند و اصلا فکر نکنند که در آینده چه کسی قرار است رأی آورد، اگر نگاه ما انتخاباتی باشد اصلا با دولت همکاری نمی‌کنیم و این نمی‌شود. دولت فعلا زمام امور اجرایی را در دست دارد و فعلا روی کار است و باید با این دولت کنار آمد.

همکاری با این دولت همکاری با دولت ترامپ نیست، دولت فعلی دولتی قانونی است و به نظر من بسیار مهم است که با آن کنار بیایند. فرض کنیم دولت اصولگرای بعدی بیاید، آنها نباید دعوا بر سر پست داشته باشند، الان نباید در اتاق فکرمان این تقسیم بندی را داشته باشیم که وزارت خانه‌ها سهم چه تشکیلاتی می‌شود و پایداری‌ها چقدر سهم دارند و... .

دلیل اصلی بروز اینگونه شعارها هم این است که ما حزب نداریم.

به نظر شما بروز و ظهور این رویکردهای پوپولیستی چقدر یادگار محمود احمدی‌نژاد است؟

البته آقای احمدی‌نژاد نمونه کم‌نظیری در اقدامات پوپولیستی بود حتی اخیرا بعضی طرفدارانش به دلیل همین روحیه به شدت از شکست ترامپ در انتخابات آمریکا ناراحت بودند. البته اقدامات پوپولیستی ایشان همچنان ادامه دارد مثلا همین موضوعی که اخیرا ایشان ادعا کرده ما از سازمان بهداشت جهانی پول گرفتیم تا روی ایرانیان داروی آنها را آزمایش کنیم که هیچ سند و مدرکی هم برای این ادعا ارائه نمی‌کند.

با این حال باید بگوییم که اقدامات برخی نمایندگان مجلس یازدهم نه تنها شبیه همان اقدامات پوپولیستی احمدی‌نژاد است بلکه می‌توان مدعی شد آقای احمدی‌نژاد باید بیاید و نزد این عزیزان درس هم پس دهد.

«آگهی ابلاغ رای»

شرکت ملی پخش فرآورده‌های نفتی ایران

شماره مجوز: ۱۳۹۹/۴۸۲۱

مهدی طهماسبی شماره کارمندی ۵۷۵۴۲۶ – فرزند حیدر

پرونده نامبرده بالا به اتهام غیبت متوالی در این هیات مطرح و به مجازات بازخرید با پرداخت ۳۰ روز حقوق مبنای مربوط در قبال هر سال خدمت محکوم گردیده است. لذا به علت عدم دسترسی به مشارالهیه و به تجویز تبصره ماده ۳۰۲ قانون آئین دادرسی مدنی مراتب در یک نوبت منتشر می‌شود تا نامبرده ظرف مدت یک ماه از تاریخ نشر آگهی چنانچه اعتراضی دارند در یکی از روزهای اداری به محل امور اداری زیربط با این هیات واقع در تهران، خیابان ملاصدرا، خیابان شیخ بهائی شمالی ضلع جنوب غربی میدان شیخ بهائی، پلاک ۱۴۴، طبقه چهارم شرقی، هیات پنجم بدوی مراجعه نمایند.

هیات پنجم بدوی رسیدگی به تخلفات
اداری کارمندان وزارت نفت
روابط عمومی شرکت ملی پخش فرآورده‌های نفتی ایران